

فلسفه سیاسی، سیاست فلسفی

ابو نصر فارابی (۲۵۹ - ۳۳۹ ق) نادره ای که بدرستی معلم دوم نامیده شد، سهم شگرفی در رشد معارف بشری داشت. او جدای از نوآوریهایش در بسیاری از علوم و فنون چون: منطق، فلسفه، اخلاق، موسیقی، طبقه بندی علوم و... دو گام اساسی برداشت و بدین ترتیب در تاریخ علم جاودانه شد:

۱. تأسیس فلسفه اسلامی: پیش از وی فلسفه از آن یونانیان بود و مسلمانها تنها در اثر تلاشهای مترجمان برجسته ای چون کندی با آموزه های فلسفی آشنا می شدند. آموزه هایی که بر خرد گرایی صرف مبتنی بود و پیوندی با دین و شریعت نداشت. از این رو، از همان آغاز ورود به جامعه اسلامی با مخالفت شدید عالمان دینی مواجه شد و متکلمان مسلمان را به چالشی جدی فراخواند. صف آرای دین پژوهان اشعری در برابر این معرفت عقلانی و هماوردیهای آنان با فلاسفه علی رغم تمامی تلخی هایش رهاوردهای فرخنده ای را به همراه داشت. شاید هیچ کس تصور نمی کرد که این میهمان ناخوانده روزی بر صدر نشیند و خود صاحب خانه شود. اما خوشبختانه این گونه شد.

در چنین فضایی فارابی نخستین کسی بود که در صدد اثبات هماوایی عقل و نقل، و فلسفه و دین بر آمد؛ و نظام معرفتی عقلانی ای سازگار با شریعت را بنیان نهاد و بدین ترتیب، بستر مناسبی را برای پذیرش فلسفه اسلامی مهیا کرد. گر چه برخی از مستشرقان و حتی پژوهشگران عرب سرسختانه بی هیچ دلیل و مستند قطعی تلاش کرده اند تا این ادعا را انکار کنند و فلسفه فارابی را عاری از هرگونه تمایلات دینی معرفی کنند.

۲. فلسفه سیاسی: نظام سیاسی که فارابی ترسیم کرد هر چند متأثر از اندیشه های ارسطو، افلاطون و اندیشمندان ایرانی بود، از چند جهت اهمیت و تازگی داشت:

نخست آنکه مبتنی بر فلسفه الهی بود و به نوعی تطابق و همخوانی میان فلسفه نظری و فلسفه عملی بخوبی در آن مشاهده می شد. یعنی بر اساس همان دستگاه معرفتی که نظام هستی را در قالب یک سلسله طولی که در رأس آن حق تعالی قرار دارد و به ترتیب، وجود را به مراتب بعدی افاضه می کند؛ در نظام اجتماعی او نیز سلسله طولی وجود دارد که در رأس آن نبی / حکیم قرار دارد که مراتب بعدی را به سعادت و نیکبختی رهنمون می سازد.

دیگر آن که آرمان شهر یا شهر برینی که او به تصویر کشید و خود از آن با عنوان مدینه فاضله یاد می کرد، توسط یک پیامبر / حکیم رهبری و اداره می شود. بدین ترتیب، او از یک سو تلاش می کند تفسیری عقلانی از نبوت ارائه کند و از سوی دیگر، نقش وحی و عقل در کنار هم در سعادت جامعه بشری را ممتاز سازد.

جالب اینکه فارابی نخستین اندیشمندی است که سازواره رهبری اشتراکی دو نفره و دسته جمعی - ریاست افاضل - را طرح کرد؛ هر چند گروهی به اشتباه آن را عینا بر گرفته از تئوری جمهوریت افلاطون می انگارند!

اهمیت اندیشه های سیاسی فارابی هم در میان جهان اندیشه گی خود وی - که به گمان برخی محوری ترین و اساسی ترین آموزه وی است - و هم در تاریخ اندیشه سیاسی، ما را بر آن داشت تا در پی دو ویژه نامه ای که منتشر کردیم، لااقل پرونده ای را بدان اختصاص دهیم. امیدواریم با انتشار این شماره گامی هر چند کوچک برای نزدیک شدن به دنیای سیاسی این فیلسوف اعجوبه بر داشته باشیم.